

تحلیل تعادل در سطح واژگانی ترجمه‌های انگلیسی از قرآن کریم بر اساس نظریه بیکر (مطالعه موردی)

مصطفی معلمی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۹

سیدعلی هاشمی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۲۸

چکیده

قرآن کریم متن مقدس مسلمانان، کتابی آسمانی نازل شده بر آخرین پیامبر صلوات الله علیه و آله است تا پیامی برای جهانیان برای تمامی اعصار باشد. از آنجا که قرآن تنوع زبان‌ها را می‌پذیرد و آن را زمینه‌ای برای آشنایی اقوام و ملل می‌داند ترجمه قرآن از دیرباز مورد توجه بوده است. زبان انگلیسی امروزه زبان بین‌المللی و میانجی است و ترجمه‌های پرشماری از قرآن به این زبان فراهم آمده است. یکی از مهم‌ترین مسائل در برگردان متون ایجاد تعادل و یا برابری در سطوح مختلف زبانی است. تعادل در سطح واژگانی و نیز تقدم معنا بر صورت از مهم‌ترین اولویت‌ها در ترجمه متون دانسته شده است. در پژوهش پیش رو سه ترجمه از قرآن مبتنی بر دیدگاه مونا بیکر در مبحث ایجاد تعادل بررسی شده است. بر اساس مثال‌های بررسی شده، یافته‌ها نشان می‌دهد این ترجمه‌ها گاه در ایجاد تعادل ناموفق بوده و نتوانسته‌اند معنا را به درستی به زبان مقصد منتقل نمایند.

کلیدواژگان: قرآن کریم، ترجمه، معنا، صورت، مونا بیکر.

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی مازندران و دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران.

** استادیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری گروه آموزشی الهیات و معارف اسلامی.

a.hashemi1@yahoo.com

نویسنده مسئول: سیدعلی هاشمی

مقدمه

خداوند تبارک و تعالی قرآن کریم را کتابی برای عالمیان معرفی کرده و پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را آخرین فرد از سلسله انبیا قرار داده است. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مأمور ابلاغ این کتاب شده و مسلمانان نیز به همین ترتیب مأمور ابلاغ گردیدند. بحث بیم و امیدی که قرآن مطرح ساخته است تمامی افراد بشر را در بر می‌گیرد و از آنجا که زبان‌های مردم دنیا مختلف است و خداوند در قرآن نیز فرموده که هر پیامبری را به زبان قومش فرستادیم از این رو در ابلاغ پیام قرآن ترجمه آن به دیگر زبان‌ها پیش می‌آید.

قرآن کریم افزون بر آنکه دربردارنده سخن الهی و دستورات دینی در زمینه‌های مختلف است از منظر تألیف سخن نیز وجهی اعجاز‌آمیز دارد که از سوی خداوند هم‌اورد خواهی نیز برای این کتاب مکرراً بیان شده است. بنابراین در ترجمه قرآن همیشه این نکته مورد توجه مسلمانان بوده که می‌توان معانی ظاهری، دستورات و معارف قرآن را به زبان‌های دیگر برگردان نمود اما وجه اعجازی قرآن که در نوع تألیف سخن نهفته است هرگز قابل بازآفرینی در دیگر زبان‌ها نیست مگر آن خود خداوند قرآنی به زبانی دیگر فرو فرستد.

نکته دیگری که در ترجمه قرآن از دیرباز میان فقیهان و متکلمان مسلمان مطرح بوده مسأله جایز بودن قرائت قرآن در نمازهای واجب به زبان‌های دیگر است. اکثریت علمای اسلام گفته‌اند نمی‌توان قرآن را در نماز برگردان نمود و خواندن سوره فاتحه الکتاب و دیگر سوره‌ها به زبانی غیر از عربی موجب بطلان نماز خواهد شد و انجام آن حرام است. این امر موجب شده تا برخی گمان کنند که مسلمانان ترجمه قرآن را حرام می‌شمرند!

ترجمه قرآن و تفسیر آن به دیگر زبان‌ها به صدر اسلام بازمی‌گردد. اما پیوسته دغدغه انتقال صحیح و مناسب پیام این کتاب آسمانی به دیگر زبان‌ها وجود داشته است. در یک تقسیم بندی کلی می‌توان گفت ترجمه‌ها از قرآن به دست دو گروه انجام می‌شده است. گروه نخست مسلمانانی که خواهان تبلیغ اسلام بوده و برای سهولت تبلیغ، الفاظ و معانی آن را به زبان‌های دیگر برگردان می‌نمودند. گروه دوم مخالفان اسلام که برای

تخطئه و تضعیف قرآن (ر.ک، مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان، اسعدی: ۷۸-۶۲) دست به ترجمه آن زده تا به گمان خویش به تناقضات و یا ضعف‌های آن وقوف یابند.

دیدگاه‌ها درباره ترجمه

ناید/ ترجمه را بازتولید نزدیک‌ترین معادل طبیعی یک پیام از زبان مبدأ در زبان مقصد دانسته است. وی در فرآیند ترجمه انتقال معنا را در درجه نخست اولویت و اهمیت قرار می‌دهد. او آن ترجمه‌ای را بهترین می‌داند که ترجمه به نظر نرسد. دو سطح کلی در ترجمه از منظر وی وجود دارد: سطح محتوا و سطح سبک. دیدگاه وی درباره ترجمه متون دینی نظیر انجیل آن است که ویژگی زبان شناختی و نیز بافتار فرهنگی زمان پیدایش انجیل می‌بایست در ترجمه لحاظ گردد. در بحث نزدیک‌ترین و یا طبیعی‌ترین معادل، وی در مورد متون دینی نزدیک‌ترین را ترجیح داده است.

نیومارک مهم‌ترین مسأله از مسائل ترجمه را دوگانه ترجمه لفظ به لفظ و یا ترجمه آزاد می‌داند. او سابقه این مسأله را به سده نخست پیش از میلاد ارجاع داده است. ترجمه لفظ به لفظ از نظر وی فرآیند بنیادین ترجمه است. در معرفی روش‌های ترجمه دو روش را مهم دانسته است: ترجمه معنایی، ترجمه ارتباطی. در نظر وی این دو روش توان برآورده ساختن دو هدف عمده ترجمه را دارند: درستی و بهینگی. وی ترجمه معنایی را در مورد بهینگی کارا تر می‌داند و در ترجمه متون مقدس بکارگیری ترجمه معنایی را ترجیح می‌دهد. ترجمه معنایی تعبیر دیگر سخن در زبان مقصد بوده اما ترجمه ارتباطی تفسیر و تبیین تازه از پیام زبان مبدأ است. در ترجمه معنایی مترجم مجاز به اصلاح و تغییر نیست اما در ترجمه ارتباطی بنا به رعایت حال دریافت کنندگان پیام در زبان مقصد امکان تغییر و اصلاح وجود دارد.

بیکر یکی دیگر از صاحب‌نظران در مباحث نظری ترجمه به مقوله تعادل توجه نموده است. تعادل در ترجمه یعنی ایجاد برابری حداکثری در پیام متن مقصد با پیام متن مبدأ در وجوه مختلفی که می‌تواند در یک پیام وجود داشته باشد. در تعریف تعادل همچنین گفته شده که پیام متن مقصد باید همان تأثیر را در مخاطب بگذارد که پیام اصلی در مخاطبان زبان مبدأ داشته است. بیکر تعادل را در شش چیز برشمرده است: ۱. تعادل در

سطح واژگان؛ ۲. تعادل فراتر از واژگان؛ ۳. تعادل دستوری؛ ۴. تعادل متنی و ساختاری (انسجام)؛ ۵. تعادل متنی و ساختاری (به هم پیوستگی)؛ ۶. تعادل عملی (Baker, In Other Words, p 5).

نخستین تعادل در فرآیند ترجمه در سطح واژگانی ایجاد می‌گردد. گاه مترجم نمی‌تواند این تعادل را برقرار نماید. نمونه آنکه یک واژه در یک زبان بسیط است اما وقتی به زبان دیگر ترجمه می‌گردد شکل مرکب پیدا می‌کند (Ibid, p 11). یا آنکه اصلاً یک واژه در زبان مقصد معادل ندارد (Ibid, p 21). بیکر عدم تعادل در سطح واژگان را برخاسته از این‌ها می‌داند: ۱. مفاهیم خاص فرهنگی؛ ۲. نبود واژه در زبان مقصد؛ ۳. پیچیدگی واژه در زبان مبدأ؛ ۴. وجود واژگان عاریتی در زبان مبدأ؛ ۵. تفاوت در بسامد اشکال خاصی از عناصر زبانی و هدف از بکارگیری آن؛ ۶. تفاوت در قالب‌های زبانی (پیشوند و پسوندها)؛ ۷. تفاوت در دامنه معنایی؛ ۸. نبود واژه در زبان مقصد برای یک واژه عام در زبان مبدأ (Ibid, p 22-24).

وی برای عبور از این عدم تعادل راهبردهایی پیشنهاد کرده است. ۱. ترجمه با یک کلمه عمومی‌تر؛ ۲. ترجمه با یک کلمه خنثی؛ ۳. ترجمه با یک جایگزین فرهنگی؛ ۴. عاریت گرفتن واژه؛ ۵. تبیین و توضیح با واژه‌های مرتبط؛ ۶. تبیین و توضیح با واژه‌های غیر مرتبط؛ ۷. نادیده گرفتن واژه؛ ۸. تصویرگری به جای نویسنده‌گری (Ibid, p 26-42). تا کنون ترجمه‌های پرشماری از قرآن به زبان انگلیسی انجام شده است. ترجمه‌های عبدالله یوسف علی، جان آرتور آربری و محمد عبدالحلیم در این میان انتخاب شده‌اند تا مقوله تعادل در سطح واژگانی در ترجمه‌های انگلیسی از قرآن با توجه به نمونه‌های از آیات مورد بررسی قرار گیرد. عبدالله یوسف علی از مسلمانان هند، آربری یک مسیحی انگلیسی زبان و محمد عبدالحلیم یک مسلمان عرب مصری است.

پیشینه تحقیق

وزیری فرد (۱۳۷۸ش) در مقاله با عنوان «بررسی و مقایسه چهار ترجمه انگلیسی از قرآن کریم»، ترجمه‌های آربری، پیکتهال، میر احمد علی و عبدالله یوسف علی را در سوره مبارکه مریم سلام الله علیها بررسی و مقایسه نموده است. او ۸۲ واژه و عبارت را

در جداولی تطبیق داده و در انتها به ذکر ده نکته درباره میزان موفقیت مترجمان بسنده نموده است. وی معتقد است هیچ یک از ترجمه‌ها به تنهایی برآورده کننده نیاز مخاطب نیست و باید در کنار یکدیگر مورد استفاده قرار گیرند. ضعف این مقاله در فقدان هرگونه ارجاع است.

عبدالرحیم کیدوای (۱۳۸۱ش) در مقاله با عنوان «ترجمه‌های ترجمه نشدنی، بررسی ترجمه‌های انگلیسی قرآن»، که زهرا آقامحمد شیرازی آن را برگردان نموده، به بیان ویژگی‌ها و کاستی‌های ترجمه‌های قرآن به انگلیسی پرداخته است. وی ترجمه یوسف علی را عوام پسندترین ترجمه معرفی کرده و در عین حال تسلط عالی وی را بر زبان انگلیسی ستوده است. ترجمه یوسف علی در نظر وی آزاد بوده اما توانسته مفهوم اصلی را برساند. ترجمه آربری را در میان مترجمان غیر مسلمان از لحاظ روش و کیفیت در رتبه نخست قرار داده؛ اما آن را عاری از خطا ندانسته است. وی شماری از آیات را ذکر کرده که آربری در ترجمه آن دچار اشتباه شده است. البته برخی آیات به درستی ترجمه شدند اما روشن نیست چرا کیدوای آن را نادرست پنداشته است.

انصاری نژاد (۱۳۸۱ش) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی ترجمه‌های شاکر و آربری از قرآن کریم» مختصری از تاریخچه ترجمه انگلیسی قرآن آورده و تلاش نموده تا مطالعه‌ای مقابله‌ای میان دو ترجمه یادشده انجام دهد. وی آیاتی از سوره بقره و چند آیه پراکنده را انتخاب و از ترجمه فارسی مکارم شیرازی و الهی قمشه‌ای جهت تسهیل فهم مخاطبان استفاده نماید و سپس به بررسی تطبیقی پرداخته است. وی دو سطح تعادل واژگانی و ساختاری را در مثال‌های منتخب ارزیابی نمود و به این نتیجه رسید که هیچ یک از ترجمه‌ها موفقیت کامل نصیبشان نشده گرچه ترجمه روان و سلیس آربری اهمیت خود را از دست نخواهد داد.

مبارکی و بقایی (۱۳۹۳ش) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی دو ترجمه آربری و یوسف علی از قرآن کریم بر اساس نظریه تعادل واژگانی بیکر» با تکیه بر مفاهیم فرهنگی به ارزیابی دو ترجمه بر اساس ارائه هشت نمونه آیات پرداخته‌اند. به نظر نگارندگان مقاله، آربری با در نظر داشتن مخاطب خویش تلاش کرده تا با معادل‌های فرهنگی از مانع واژگان فرهنگ بسته عبور کند اما یوسف علی واژگان ویژه فرهنگ اسلامی را ترجمه

نمود و تلاش کرد با ارائه توضیحاتی مفهوم را به مخاطب انتقال دهد. البته مثال‌های مقاله همگی در اثبات مدعا کامل نیست. به دیگر سخن واژه‌هایی که نگارندگان به عنوان مفاهیم فرهنگی در نظر گرفته‌اند واقعاً فرهنگ بسته نیستند و در زبان انگلیسی به همان صورت اولیه قابل درک‌اند. فی‌المثل بر خلاف آنچه که مقاله نوشته است، کلمه «صدور» که درون جان است برای انگلیسی زبان قابل درک است و تفاوت آن را با breast درمی‌یابد. افزون بر این نگارندگان بر دو مترجم خرده گرفته‌اند که چرا برای واژه‌ی «انکحوا» از marry استفاده کرده‌اند با آن که «انکحوا» یعنی به ازدواج در آورید و یا همسر بدهید؛ اما marry یعنی ازدواج کنید! این خرده‌گیری از غفلت نگارندگان برخاسته و به خودشان برمی‌گردد چرا که marry هر دو معنا را افاده می‌کند و اگر ابهامی در بین باشد با قرینه برطرف خواهد شد و نتیجه آنکه گزینش marry برای «انکحوا» را نباید خطا پنداشت. مقاله در بخش نتایج، سؤالات و فرضیاتی مطرح ساخته که برخی به نظر موجه و برخی ناموجه و یا لااقل شاهدهی بر آن یافت نمی‌شود.

قریشی و همکاران (۱۳۹۴ش) در مقاله‌ای با عنوان «میزان هماهنگی در تکرار برخی از واژگان و ترکیبات هم‌آیند قرآن و ترجمه آن‌ها» به بحث ترکیب‌های هم‌آیند پرداخته است. ترکیب هم‌آیند مانند «جن و انس»، «لیل و نهار» و... است. مثال‌هایی که مقاله انتخاب کرده برخی از ترجمه آربری و یوسف علی بوده است.

اشرفی و سید‌النگی (۱۳۹۴ش) در مقاله‌ای با عنوان «وجوه در ترجمه‌های قرآن: مطالعه تطبیقی ترجمه‌های صفارزاده، پیکتال، شاعر و آربری» به بررسی وجوه در ترجمه‌های قرآن با محوریت واژگان اساسی سوره نور در ترجمه‌های انگلیسی صفارزاده، پیکتال، شاکر و آربری پرداخته‌اند. به نظر نویسندگان این مترجمان دقت کافی به وجوه واژگان نکرده‌اند.

پیش‌درآمدی به انگیزه مترجمان مورد بحث در ترجمه قرآن

یوسف علی

عبدالله یوسف علی ترجمه خود را در ۱۹۳۴ منتشر نمود. وی با توجه به دستور قرآن مبتنی بر ابلاغ پیام الهی به دیگران معتقد به نیاز به ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف در

اعصار مختلف بود (YÜSUF 'ALI, p iii). درباره ترجمه خود نوشته که این ترجمه بهترین پیامی است که می‌توانم با فهم خویش از متن عربی آن به زبان انگلیسی ارائه کنم. در نگاه او موسیقی و آهنگ قرآن می‌بایست به زبان مقصد منتقل شود. وی معتقد بود مترجم نباید دانش، دیدگاه و استنتاجات شخصی‌اش را در ترجمه قرآن دخالت دهد. از دیدگاه یوسف علی ترجمه قرآن به دیگر زبان‌ها مشکلاتی دارد که خاستگاه آن اینگونه است:

۱. واژه‌های عربی بکار رفته در قرآن اکنون معانی دیگری یافته‌اند. بنابراین برخی این تغییر معنا را درنیافته‌اند.
 ۲. مفسران دوره‌های متأخر نظر مفسران متقدم را نادیده گرفته‌اند و رجوع مترجم به مفسران متأخر مشکل ساز می‌شود.
 ۳. عربی کهن و یا کلاسیک کلماتی با ریشه معنایی جامع دارد که امروزه در زبان تحلیل یافته امروزی، نمی‌توان یک واژه را در همه کاربردهایش به صورت ثابت استفاده کرد. به نظر او مترجمان اروپایی در این حوزه ضعیف بوده‌اند. به دیگر سخن یک واژه در عربی گاهی طیف وسیعی از معانی را در بر می‌گیرد؛ تو گویی آن را در برابر منشوری قرار داده‌اند و رنگ‌های متنوعی از آن سوی منشور دیده می‌شود.
 ۴. گاهی کلمات هم معنا و یا هم ریشه در عربی‌اند که تفاوت‌های ظریفی با یکدیگر دارند اما در زبان مقصد این تفاوت‌ها در واژه‌ها وجود ندارد. نمونه آنکه برای رحمان و رحیم از واژه mercy استفاده می‌شود با آن در زبان مبدأ تفاوتی وجود دارد!
 ۵. محدودیت ذاتی بشر در برابر سخن و فعل الهی: او در دیباچه برگردان خویش از قرآن کار خود را interpretation نامیده و وجه ترجمه ناپذیر بودن قرآن را تذکر داده است! مختصری درباره تاریخ ترجمه پرداخته و پیشینه‌ای نقدآمیز از فعالیت‌های ترجمه قرآن را ارائه کرده است. نخستین ترجمه لاتین از قرآن به سال ۱۱۴۳ میلادی در صومعه کلونی به عمل آمد اما نخستین چاپش به سال ۱۵۴۳ در بازل سوئیس عرضه شد. این ترجمه مبنای بسیاری از ترجمه‌ها به دیگر زبان‌های اروپایی گردید.
- لودویک ماراچی دومین برگردان قرآن به لاتین را در سال ۱۶۸۹ با متن عربی منتشر ساخت. وی ستیزه جویانه و گزینشی توضیحاتی در برگردان خویش گنجانده تا به زعم

خویش قرآن را رد نماید و نادرستی مطالبش را اثبات نماید. جورج سیل ترجمه انگلیسی خود را بر برگردان لاتین *ماراچی* استوار نمود. جالب آنکه این ترجمه در انگلستان شهرت یافت و مکرراً چاپ شد.

رادول نیز در ۱۸۶۱ میلادی ترجمه خود از قرآن منتشر نمود و در آن ترتیب سوره‌ها را با فهم خویش تغییر داد. *پالمر* نیز در ۱۸۷۶ قرآن را به انگلیسی برگردان نمود. وی اعتقاد داشت قرآن را باید به زبان محاوره‌ای برگردان نمود. *یوسف علی* نوشته است *پالمر* از درک زیبایی ساختار قرآن عاجز بوده است.

بنا به اعتقاد *یوسف علی* بی‌مهری‌های اروپائیان در امر ترجمه قرآن موجب شد تا مسلمانان خود بار ترجمه را بر دوش کشند. *عبدالحکیم خان* در ۱۹۰۵ نخستین ترجمه انگلیسی به دست یک مسلمان را منتشر ساخت. پس از او *میرزا حیرت دهلوی* در ۱۹۰۷ دومین ترجمه را منتشر ساخت. *مولوی محمدعلی* در ۱۹۱۷ ترجمه دیگری منتشر ساخت که ضعیف ارزیابی شده است. *حافظ غلام سرور* ترجمه خوبی از قرآن را در سال ۱۹۲۹ و یا ۱۹۳۰ البته بدون متن عربی و بدون یادداشت‌های توضیحی منتشر ساخت. *مارمادوک پیکتهال* مسلمان انگلیسی در ۱۹۳۰ میلادی ترجمه تازه‌ای به عمل آورد که بنا به گفته *یوسف علی* تحت اللفظی و فاقد توضیحات کافی بوده است.

جان آربری

آربری در دیباچه برگردان قرآن، تاریخچه مختصری از ترجمه‌های اولیه قرآن به زبان انگلیسی ارائه کرده و با برشمردن نقاط ضعف آن که عمدتاً در نداشتن لطافت و نیز نیت‌های ستیزه جویانه بوده به توجیه اقدام خویش در ترجمه پرداخته است. وی ترجمه *الکساندر راس*، *جورج سیل*، *رادول*، *ادوارد هانری پالمر*، *مارمادوک پیکتهال* و *ریچارد بل* را معرفی و نقد بسیار کوتاهی نوشته و مهم‌ترین اشکال آن ترجمه‌ها را یکنواختی و یکدستی برشمرده است. وفاداری برده وار نسبت به کلمات موجب شده تا روح قرآن در ترجمه‌ها انعکاس نیابد.

آربری معتقد بوده که بدایع و آهنگ قرآن چنان صلابت، و احساس و خصیصه‌ای دارد که هرگونه برگردان آن یک رونویسی ناچیز در برابر شکوه و عظمت متن اصلی خواهد

بود. وی سجع قرآن را با سجع شعری مغایر دانسته و بیان داشته که با توجه به این نکته دست به ترجمه زده است. آربری ترجمه‌ای بی توضیح و تفسیر منتشر نمود و بنا به ادعای خویش تلاش نمود تا آهنگ و بلاغت قرآن را در ترجمه منعکس سازد کاری که پیش از او انجام نشده بود.

به نظر می‌رسد آنچه آربری در دیباچه ترجمه خویش نوشته است تا حدود بسیاری متکی به مطالب یوسف علی بوده است. شگفت اینکه آربری هیچ نامی از یوسف علی به میان نمی‌آورد!

حسان مصطفی درباره ترجمه آربری نوشته است که او تلاش نموده تا سبک اصلی قرآن را در برگردان انگلیسی بازآفرینی نماید (Hassan Mustapha, Routledge encyclopedia of translation studies, Edited By baker. p 203). محمد عبدالحلیم ترجمه آربری را ترجمه‌ای می‌داند که بیش‌ترین توجه را در میان ترجمه‌های انگلیسی به خود جلب نموده است.

محمد عبدالحلیم

عبدالحلیم یک عرب زبان مصری است که قرآن را در کودکی به حافظه سپرد و در الازهر تعلیم دید. او از ۱۹۶۶ در دانشگاه کمبریج استاد زبان عربی بود و با حضور طولانی مدت خود در انگلستان کفایت لازم در زبان انگلیسی را برای ترجمه قرآن کریم به دست آورد.

وی معتقد است خوانندگان قرآن نباید انتظار داشته باشند که این کتاب ترتیب تاریخی را رعایت نماید و اتحاد موضوعی در سوره‌هایش وجود داشته باشد. یکی از ویژگی‌های قرآن از منظر او تعدد مخاطبان قرآن و سخن بی میانجی با مردم است. بحث التفات در قرآن به نظر عبدالحلیم بسیار مهم و قابل توجه است.

عبدالحلیم راهبرد عمومی سازی در قرآن را می‌ستاید بدین معنا که فی المثل قرآن مسلمانان را در دفاع از خانه و باور خویش مجاز می‌شمرد و دلیل جواز دفاع را رانده شدن از وطن معرفی می‌کند و بر این اساس هر فرد در هر زمان و مکان به هر کیش و آیین که باشد مجاز به دفاع از خانه خویش می‌شود.

او از اینکه قرآن جز در موارد اندک نام اشخاص را نمی‌برد زبان به تحسین گشوده و این را از مهربانی‌های خدا برشمرده است.

او نیز مانند دیگران برخی مشکلات ترجمه قرآن و خاستگاه آن را فهرست نموده که در واقع چیزی افزون بر یوسف علی ندارد جز آنکه مثال‌هایی برای فهم دقیق مشکل و خاستگاه آن ارائه نموده است.

تاریخچه‌ای از ترجمه‌های انگلیسی به دیباچه کتابش افزوده و نقاط قوت و ضعفشان را تذکر داده است. عبدالحلیم ترجمه جورج سیل را موفق دانسته اما ترجمه رادول را با توجه به توضیحاتی که رادول افزوده توهین آمیز تلقی کرده است. البته این را نیز افزوده که رادول با تکیه بر توانایی‌های زبان شناسی‌اش توانسته از موانع ترجمه عبور کند.

پالمر را نخستین فردی می‌داند که در ترجمه قرآن جانب احترام را نسبت به متن و نیز پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نگاه داشته است. ترجمه پیکتال را دارای سبک کهن و نزدیک به متن عربی ارزیابی نموده است (Abdel Haleem, xxviii).

ترجمه یوسف علی را ستوده و هیچ نقدی بر آن وارد نساخته است. ترجمه آربری را جافتاده در مجامع علمی معرفی کرد اما فقدان هرگونه توضیح درباره آیات را نقص این ترجمه برشمرده است.

وی ترجمه خود را امروزی، روان در سبک و به دور از واژه‌های مهجور و نامأنوس خوانده که برای هر انگلیسی زبان قابل استفاده است. او به بحث تفسیر قرآن به قرآن توجه نموده و سابقه آن را در آثار ابن تیمیه نشان داده است. البته این امر از غفلت وی برخاسته است چراکه این جمله معروف سده‌ها پیش از ابن تیمیه بیان شد که «ان الكتاب(القرآن) یصدق بعضه بعضاً» (نهج البلاغه، ج ۱: ۵۵).

وجوه القرآن نکته دیگری است که عبدالحلیم بدان توجه داده است. کلماتی در قرآن به کار رفته‌اند که معانی مختلفی در بافت‌های مختلف دارند، مانند امر، جهاد، تقوی و اولیا. وی معتقد است عدم توجه به این نکته ترجمه را با مشکل مواجه می‌کند.

عبدالحلیم تلاش کرده تا ساختار نامأنوس عربی را برای خوانندگان انگلیسی بازتولید نماید بلکه ساختار انگلیسی را ترجیح داده است. ترجمه اصطلاحات را تحت اللفظی انجام نداده و گاه برای انتقال معنا واژه‌هایی را در ترجمه حذف نموده است. دقت در

ارجاع ضمیر هم از مسائل مورد توجه عبدالحلیم بوده که نمونه‌هایی از عدم توجه مترجمان پیشین را در این امر آورده است.

بررسی ترجمه‌ها

برخی کلمات و عبارات از ترجمه‌های یادشده گزینش و در جداولی گنجانده شده است. پس از هر جدول بحث‌های مربوط به ارزیابی ترجمه‌ها ارائه خواهد شد. نخستین بحث به واژه «امّی» و اشکال مختلف آن اختصاص یافته است.

عبدالحلیم	یوسف علی	آربری	واژگان
the unlettered	the unlettered	the common folk	امّی اعراف: ۱۵۷، ۱۵۸
uneducated	illiterates	common folk	أمّیون بقره: ۷۸
those without one(book)	unlearned	the common folk	الأمّیین آل عمران: ۲۰
the gentiles	these ignorant (Pagans)	the common people	الأمّیین آل عمران: ۷۵
the people who had no Scripture	the Unlettered	the common people	الأمّیین الجمعه: ۲

واژه «امّی» در اکثر تفاسیر و لغتنامه‌های کهن عربی به معنای آن که نمی‌نویسد و نمی‌خواند و یا خواندن و نوشتن نمی‌داند آمده است (طبری، جامع البیان، ج ۱: ۵۲۸؛ طوسی، التبیان، ج ۴: ۵۵۹). در قرآن کریم هم آشکارا خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

﴿وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذْ أَلْرْتَابِ الْمُبْطَلُونَ﴾ (العنکبوت/

(۴۸)

ابن فارس نیز به نقل از ابو عبید آورده که امّی به معنای کسی است که خواندن و نوشتن نمی‌داند. گفته‌اند عرب ساکن در مکه را امّی می‌خواندند چراکه کتابت در میان

ایشان رواج نداشت. *راغب اصفهانی* نیز در معنای این واژه نوشته است: «هو الذی لا یکتب و لا یقرأ من کتاب» (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن: ۸۷). *ابن اثیر* هم درباره امی نوشته است: «امی به امت عرب نسبت داده شده چراکه بر خلاف دیگر ملتها خط در میانشان رواج نداشت» (ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث، ج ۱: ۶۸). گرچه قولی نیز آمده که امی منسوب به ام القری یا همان مکه است اما اکثر مفسران و لغت شناسان معنای اول را ترجیح داده‌اند. برخی نیز گفته‌اند امیین یعنی قوم عرب که کتاب آسمانی به آنان داده نشده بود. با توجه به معنای یادشده درباره امی که صورت جمع آن یعنی امیون و یا امیین نیز همان معنا را خواهد داشت ملاحظه می‌شود *یوسف علی* چهار صورت متفاوت برای امی آورده که البته در معنا نزدیک به یکدیگرند و با نظر مفسران و لغت شناسان نیز مطابقت دارد. در مورد آیه ۷۵ آل عمران *یوسف علی* کاملاً از اصل دور شده و معنایی آزاد برگزیده است.

آربری امی را به معنای مردی از مردم عادی و معمولی گرفته و همه جا این ترجمه را قرار داده است. از این رو برگردان دقیقی نخواهد بود چراکه از مردم عادی و معمولی بودن با بی سواد و یا ندانستن خواندن و نوشتن ملازمیت ندارد. *عبدالحلیم امی* را به دو ویا حتی سه معنا گرفته است: یکی همان معنای مورد قبول اکثر مفسران و دودیکر (امیون) به معنای غیر یهود و سه دیگر آنان که کتاب آسمانی ندارند. به نظر می‌رسد همان معنای نخست در تمامی موارد پذیرفتنی است.

واژگان	آربری	یوسف علی	عبدالحلیم
اناس	people(2:60)(7;160); Folk(7:82); Men(17:71);(27:56)	Group(2:60),(7:160) men(7:82);(27:56) Human beings(17:71)	Group(2:60); men(7:82);(27:56) Tribe(7:160) Community(17:71)

واژه *اناس* به معنای مردم است و بنا به همه کاربردهایش در قرآن همین معنا صحیح‌ترین برگردان خواهد بود (جوهری، الصحاح، ج ۳: ۹۰۵). اما مترجمان حداقل سه و گاه چهار معادل برای آن نوشته‌اند.

یوسف علی در سوره بقره اناس را group ترجمه نمود و در سوره اعراف که این واژه دو بار آمده در آیه ۸۲ آن را men برگردان نموده و در آیه ۱۶۰ مجدداً group آورده است. در سوره اسراء آن را human beings و در سوره نمل آن را men برگردان نموده است. آربری اناس را در سوره بقره و یک بار در سوره اعراف people و بار دیگر در سوره اعراف آن را folk برگردان نموده است. در سوره‌های اسراء و نمل نیز men را برابر نهاد اناس قرار داده است. عبدالحلیم در سوره بقره group و در سوره اعراف و نمل men و بار

واژگان	آربری	یوسف علی	عبدالحلیم
قوم	Folk(5:41) people(2:54);(3:117); (4:90,92);(5:2,8,11)	people(2:54);(5:2) men(3:117);(5:11) group(4:90,92) others(5:8)	people(2:54);(3:117);(4:90,92); (5:2,11);Others(5:8)

دیگر در سوره اعراف tribe و در سوره اسراء community را معادل اناس آورده است.

درباره واژه قوم نیز که در قرآن بارها به کار رفته و در تمام کاربردها معنای یکسانی از آن فهمیده می‌شود مترجمان در گزینش معادل تنوع به کار برده‌اند. یوسف علی در مورد اناس که دو واژه group و men را به کار گرفته بود در اینجا نیز برای قوم از همان دو واژه استفاده کرده است. ترجمه قوم در آیه هشتم سوره مائده به others نامناسب است. آربری هم دو واژه folk و people را برای قوم به کار برده که پیش از این برای اناس

واژگان	آربری	یوسف علی	عبدالحلیم
آل	Folk(2:49,50,248)(7:141) (15:59,61) (27:56),(54:34) House(3:33), (12:6) (19:6)(34:13) People(4:54)	people(2:49,50),(4:54) family(2:248),(3:33) the posterity(12:6),(19:6) the adherent(15:59,61) followers(27:56) sons(34:13) household(54:34)	People(2:49,50) Followers(2:248)(27:56) Family(3:33),(19:6),(34:13) (54:34) the descendants(4:54) house(12:6) the household(15:59,61)

نیز از همین دو واژه استفاده کرده بود. عبدالحلیم در بیش‌تر موارد از واژه people استفاده کرده که به نظر مناسب‌تر است. در مورد سوره مائده مانند یوسف علی، معادل others را آورده که گفته شد نامناسب است.

واژه آل در لغت به خاندان گفته می شود (فراهیدی، کتاب العین، ج ۸: ۳۵۹) که در تمامی کاربردهای قرآنی می توان همین معنا را دید اما مترجمان تنوع فوق العاده ای به کار برده و طیف وسیعی از واژگان را معادل آن قرار داده اند. یوسف علی هفت معادل برای آل در آیات مختلف به کار برده است. نمونه آنکه برای آل یعقوب در دو آیه معادل the posterity و برای آل لوط در دو آیه دیگر the adherent را به کار برده و حال آنکه تفاوتی در این موارد وجود ندارد! Adherent به معنای پیرو و ملتزم است در حالی که آیاتی که یوسف علی این معادل را به کار برده همان معنای اصلی یعنی «خاندان» سازگارتر است. آربری در گزینش واژه folk اگر آن را به صورت جمع به کار می بست مناسب تر می بود و با معنای آل سازگاری داشت. اما معلوم نیست چرا برای آل لوط folk

عبدالحمیم	یوسف علی	آربری	واژگان
friends(40:18), real friend(69:35),(70: 10)	Intimate friend(40:18),friend(69:35) (70:10)	loyal friend(40:18), (69:35),(70:10)	حمیم
an old and valued friend(41:34)	Friend and intimate(41:34)	loyal friend(41:34)	ولی حمیم
friend	Friend	friend	خلیل
Friend(24:61)	Friend(24:61)	friend(24:61)	صدیق
protector(2:107),(17:111) no one to protect(2:120),(6: 51),(6:70) ally(2:257) close(3:68) Friend(41:34)	patron(2:107),(2:257) Protector(2:120),(2:257) (3:68),(6:51) (6:70),(45:19) One to protect(17:111) Friend(41:34)	Protector(2:107),(2:120), (2:257),(3:68),(6:51), (6:70)(17:111) Friend(41:34),(45:19)	ولی

و برای آل یعقوب house را به کار برده است. عبد/الحمیم هم برای این واژه شش معادل به کار برده است. طرفه آنکه در مورد آل یعقوب که دو بار در قرآن آمده او در سوره یوسف واژه house و در سوره مریم واژه family را معادل قرار داده است.

واژگانی که در جدول بالا آمده‌اند به علت قرابت معنایی کنار هم قرا داده شدند گرچه تفاوت‌هایی نیز دارند که موجب می‌شود نتوان معادل‌های یکسان برای‌شان به کار گرفت. حمیم ریشه در گرما دارد و اگر دوست را حمیم گفته‌اند به جهت گرمای محبت و دوستی و آن رابطه گرم میان دو دوست است. بنابراین باید در برگردان به این نکته توجه شود. خلیل هم به آن دوستی گفته می‌شود که دوستی‌اش در جان و دل رسوخ کرده باشد. صدیق نیز به دوستی گفته می‌شود که دوستی و محبتش واقعی و راست باشد.

واژگان	آربری	یوسف علی	عبدالحلیم
الرجفة	earthquake(7:78)(7:15 5) (29:37)	earthquake(7:78) violent quaking(7:155) mighty blast(29:37)	Earthquake(7:78),(29: 37) trembling(7:155)
زلزلة	Earthquake(22:1)	convulsion(22:1)	Earthquake(22:1)

واژه ولیّ هم در بیش‌تر کاربردهای قرآن به معنای یاور و سرپرست آمده است. با توجه به مطالب بالا به نظر می‌رسد بسامد واژه friend در موارد بالا و نیز آوردن واژه protector به جای ولیّ مناسب به نظر نمی‌رسد.

رجفه به زلزله شدید می‌گویند. بنابراین باید در برگردان رجفة به این نکته توجه شود.

واژگان	آربری	یوسف علی	عبدالحلیم
الجبّة	pit(12:10)	Well(12:10)	Well(12: 10)
بئر	Well(22:45)	Well(22:45)	Well(22: 45)

یوسف علی برای رجفه سه معادل آورده که به نظر می‌رسد violent quaking مناسب‌تر باشد. آربری رجفه و زلزله را یکسان گرفته و یک معادل برای آن دو آورده است. عبدالحلیم نیز به تفاوت رجفه و زلزله توجه ننموده است.

میان جبّ و بئر در زبان عرب تفاوتی وجود دارد که گویا مترجمان به آن دقت ننموده‌اند. جبّ به چاهی گفته می‌شود که دیواره‌اش سنگچین و یا آجر چین نشده باشد

(طبری، همان، ج ۱۲: ۲۰۴؛ جوهری، الصحاح، ح ۱: ۹۶) و عمیق نیز نباشد. اما بئر به هر چاهی گفته می‌شود، چه دیواره‌اش چیده باشد یا نچیده باشد چه عمیق باشد و چه نباشد.

یوسف علی و عبدالحلیم تفاوتی میان بئر و جُبّ نگذاشته و آربری گویا صرفاً خواسته

واژگان	آربری	یوسف علی	عبدالحلیم
فرقان	Salvation	The Criterion	The Differentiator

باشد تفاوت ظاهری ایجاد کند برای جب از واژه pit استفاده کرد و برای بئر معادل دیگری آورده است. اما pit که آربری برای جب آورده در زبان انگلیسی صرفاً برای حفره و گودالی که در زمین باشد به کار می‌رود و اعم از چاه و یا غیر آن است.

فرقان و فرق در لغت عرب مانند خسران و خسر است. فرقان یعنی آنچه میان حق و باطل جدایی می‌افکند و قرآن فرقان است چون جدا کننده حق از باطل است. البته در روایتی فرقان آیات محکم قرآن معرفی شده که در برابر متشابهات قرار می‌گیرد. یوسف علی و عبدالحلیم معادل مناسبی آورده‌اند اما آربری واژه غریبی برگزیده که به هیچ روی معادل فرقان نیست.

واژگان	آربری	یوسف علی	عبدالحلیم
الاعراف	the ramparts(7:46) the battlements(7:48)	the heights(7:46,48)	the heights(7:46,48)

اعراف به زمین بلند و یا بلندی گفته می‌شود و برخی نیز به بلندی‌های دیوار میان بهشت و دوزخ آن را تفسیر کرده‌اند.

یوسف علی و عبدالحلیم معنای لغوی را در معادل یابی ترجیح داده‌اند و اعراف را به بلندی‌ها ترجمه کرده‌اند. آربری گویا به بلندای دیوار میان دوزخ و بهشت نظر داشته از این رو اعراف را بلندای دیوار دانسته و از واژه rampart و یا battlement استفاده کرده است. اما این دو واژه یکسان نیستند در حالی که واژه متن مبدأ یکی بیش نیست.

عبدالحمید	یوسف علی	آربری	واژگان
state of major ritual impurity(4:43)	State of ceremonial impurity(4:43)	Defiled(4:43)	جُنُب

جُنُب در قرآن به معنای کسی است که غسل بر او واجب شده چه با تماس با همسر و چه با خروج منی؛ بنابراین نمی‌توان برگردان این واژه را به سادگی پیدا نمود. این واژه متعلق به فرهنگ اسلامی است و باید با توضیح آن را به مخاطب فهماند. یوسف علی و عبدالحمید با آنکه توضیح را به جای معادل یابی ترجیح داده‌اند اما به نظر توفیقی نداشته‌اند. آربری نیز از واژه‌ای استفاده کرده که آلودگی و یا تجاوز به عنف را می‌رساند و با مفهوم جنب فاصله دارد.

عبدالحمید	یوسف علی	آربری	واژگان
Fate(52:30)	Calamity (hatched) by time(52:30)	Fate's uncertainty(52:30)	ریب المنون

ریب المنون در قرآن بنا بر ترجیح عموم مفسران به هلاکت و مرگ بر اثر حوادث روزگار گفته شده است (مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل، ج ۳: ۲۸۵). یوسف علی معنای مرگ و هلاکت را در ترجمه لحاظ نکرد اما آربری و عبدالحمید با واژه fate به مرگ اشاره کرده‌اند.

عبدالحمید	یوسف علی	آربری	واژگان
make these houses places of worship(10:87)	make your dwellings into places of worship(10:87)	make your houses a direction for men to pray to(10:87)	واجعلوا بیوتکم قبله

برای قبله در این آیه دو معنا ارائه شده است: یکی مسجد (طبری، جامع البیان، ج ۱۱: ۱۹۹) و دو دیگر مقابل و رو به روی یکدیگر (طباطبایی، المیزان، ج ۱۰: ۱۱۴). یوسف علی و عبدالحمید مسجد بودن قبله را ترجیح داده‌اند. آربری نیز قبله را به معنای سمت نماز دانسته یعنی چنانکه کعبه قبله مردم است، بنی اسرائیل هم هر یک خانه خویش را قبله قرار دهند! ترجمه یوسف علی و عبدالحمید با قول مفسران سازگاری دارد اما ترجمه آربری گویا کاملاً لغوی و بدون توجه به نظر مفسران بوده است.

واژگان	آربری	یوسف علی	عبدالحمیم
وزیرا من اهلی	of my folk a familiar(20:29)	A minister from my family(20:29)	a helper from my family(20:29)
وجعلنا معه اخاه هارون وزیرا	appointed with him his brother Aaron as minister(25:35)	appointed his brother Aaron with him as minister(25:35)	appointed his brother Aaron to help him(25:35)

به آن که پادشاه از او کمک می‌گیرد و بار مملکت بر دوش وی می‌نهد و یا به هر که بار دیگری را بر دوش کشد وزیر گویند(فراهیدی، همان، ج ۷: ۳۸۰). مفسران نیز عموماً «وزیرا» را «ناصر و معینا» تفسیر کرده‌اند. بنابراین ترجمه آربری نمی‌تواند این معنا را برساند چراکه familiar یعنی خدمتکار منزل پاپ و یا اسقف و یا آن روح ملازم با جادوگر در قالب یک حیوان که از جادوگر مراقبت می‌کند. افزون بر این، معادلی که وی آورده بار منفی نیز به همراه دارد و آربری صرفاً برای ملاحظه مخاطب واژه‌ای آورده که برای انگلیسی‌زبانان مأنوس باشد. ترجمه یوسف علی گرچه بهتر از آربری است و برای خوانندگان امروزی معنای وزیر را در بافت امروزی نیز افاده می‌کند اما ممکن است با مقام کلیسایی minister مشتبه شود. ترجمه عبدالحمیم شاید وزارت را تداعی نکند اما کمک کار بودن را به خوبی به مخاطب تفهیم می‌کند. طرفه آنکه آربری در سوره فرقان وزیر را minister ترجمه کرده است.

واژگان(افعال)	آربری	یوسف علی	عبدالحمیم
تَقُولُ	Invented(69:44)	Were to invent(69:44)	attributed some fabrication(69:44)
تَقُولُه	has invented it(52:33)	Fabricated the (message) (52:33)	has made it up himself(52:33)
ابتدعوا	they invented(57:27)	they invented(57:27)	they invented(57:27)
ما یأفکون	their lying invention(7:117)	The falsehood which they fake(7:117)	their fakery(7:117)

تَقُولُ یعنی چیزی را که دیگری نگفته به او نسبت دهند(طوسی، التبیان، ج ۱۰: ۱۰۹). ابتداع هم یعنی چیزی پدید آورند که تا به حال کسی پدید نیاورده باشد(فراهیدی، کتاب العین، ج ۲: ۵۴). افک هم یعنی دروغی که بخواهند با آن مانع از وقوع امری بشوند و یا کسی را وادار به کاری کنند(همان، ج ۵: ۴۱۶).

آربری برای همه موارد از invention استفاده کرده که به نظر مناسب نیست. یوسف علی برای تقوّل دو معادل آورده که توجیهی ندارد. در مورد ابتداع همگی به درستی ترجمه کرده‌اند. عبدالحلیم هم برای تقوّل از دو معادل بهره برده است. کاربرد fake نیز مناسب نیست چراکه به معنای جعل و تقلب است و دروغ بستن را افاده نمی‌کند.

واژگان	آربری	یوسف علی	عبدالحلیم
مصر	Egypt(2:61)	any town(2:61)	Egypt(2:61)

مصر در لغت به معنای سرزمین است و در این معنا تنوین می‌پذیرد؛ اما اگر برای اشاره به کشور معروف مصر باشد آنگاه تنوین نخواهد پذیرفت (فراهیدی، کتاب العین، ج ۷: ۱۲۳). اکثر مفسران نیز گفته‌اند مصر در این آیه مصر معروف نیست. با این وصف یوسف علی به درستی مصر را ترجمه نموده و آربری و عبدالحلیم مصری به تفاوت دستوری واژه توجه ننموده‌اند.

نتیجه بحث

یک ترجمه باید در سطح واژگانی تعادل میان متن مبدأ و مقصد برقرار نماید. چنانچه موانعی بر سر راه این کار وجود داشته باشد مترجم باید از راهبردهای پیشنهادی صاحب‌نظران و یا خلاقیت شخصی خویش بهره گیرد تا این مانع را از سر بگذراند. آربری چنانکه در پژوهش‌های پیش از این آمده برای برداشتن موانع فرهنگی تلاش کرده تا بسته به انس مخاطب واژه برگزیند. اما این دیدگاه نسبت به ترجمه آربری با توجه به برخی معادل‌های متفاوت از یک واژه که آربری ارائه کرده چندان موجه و اثبات پذیر نمی‌نماید. آربری گاه دچار خطا نیز شده و به خاطر شباهت لفظی در درک معنای واقعی عاجز مانده است. یوسف علی نیز با تنوع معادل‌ها در مورد یک واژه موجب سردرگمی مخاطب شده است چراکه مخاطب در نمی‌یابد که چه تفاوتی میان کاربرد یک واژه در مکان‌های مختلف وجود دارد. عبدالحلیم نیز گرچه از خطاهای پیشینیان درس گرفته است اما همچنان می‌توان در سطح واژگانی حتی اشتباهاتی در کار وی پیدا نمود. گرچه هریک از مترجمان در دیباچه اثر خویش به تمایز کار خویش پرداخته و یا اشکالاتی را از پیشینیان متذکر شده‌اند اما در رعایت وعده‌های نخست توفیق کامل نداشته‌اند. به نظر می‌رسد راهبردهای بیکر برای عبور از موانع ترجمه همه جا رعایت نشده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن اثیر، ابوالسعادات محمد بن مبارک الجزری. ١٣٦٤ش، **النهاية في غريب الحديث**، تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

ابن فارس، ابوالحسین احمد. ١٤٠٤ق، **معجم مقاییس اللغة**، تحقیق عبدالسلام هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، جمال الدین محمد. ١٤٠٥ق، **لسان العرب**، قم: نشر ادب الحوزة.

ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله. ١٤١٢ق، **الفروق اللغویة**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

احمدی میانجی، علی. ١٩٩٨م، **مکاتیب الرسول (صلی الله علیه وآله وسلم)**، قم: دار الحديث.

اسعدی، مرتضی. ١٣٨١ش، **مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان**، تهران: سمت.

جوهری، اسماعیل بن حماد. ١٤٠٧ق، **تاج اللغة وصحاح العربیة (الصحاح)**، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. ١٤٠٤ق، **المفردات فی غریب القرآن**، تهران: دفتر نشر کتاب.

صنعانی، عبدالرزاق بن همام. ١٤١٠ق، **تفسیر القرآن**، تحقیق مصطفی مسلم محمد، ریاض: مکتبة الرشد.

طباطبایی، علامه سید محمد حسین. بی تا، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. ١٤١٥ق، **جامع البیان عن تأویل آی القرآن**، تحقیق صدق جمیل الغطار، بیروت: دار الفکر.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. ١٤٠٩ق، **التبیان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

فراهیدی، خلیل بن احمد. ١٤٠٩ق، **کتاب العین**، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، قم: موسسه دار الهجرة.

مقاتل بن سلیمان. ١٤٢٤ق، **تفسیر مقاتل**، تحقیق احمد فرید، بیروت: دار الکتب العلمیة.

مکارم شیرازی، ناصر. ١٤٢١ق، **الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل**، قم: مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیهما السلام.

کتاب انگلیسی

Abdel Haleem, M.A.S, The Qur'an, A New Translation. Oxford University Press: 2005.

Arberry, A.J. (1955). The Koran Interpreted, New York: Macmillan Publishing Company.

Baker, M. (1992). In Other Words: A Course Book On Translation. London And New York: Routledge.

Newmark, Peter, A Textbook Of Translation: Prentice-Hall International, 1988.

Nida, Eugene A. The Theory And Practice Of Translation. Leiden: Brill, 1982.

Yüsuf 'Ali, 'Abdullah, The Holy Qur-An: Arabic Text With An English Translation And Commentary Published Byshaikh Muhammad Ashraf Kashmiri Bazar, Lahore (India)1937.

مقالات

اشرفی، عباس و الهام سیدالنگی. بهار ۱۳۹۴ش، «**وجوه در ترجمه‌های قرآن: مطالعه تطبیقی ترجمه‌های صفارزاده، پیکتال، شاکر و آربری**»، مطالعات ترجمه، شماره ۴۹، سال سیزدهم، صص ۸۵-۱۰۰.

امیرشجاعی، آناهیتا و مهدی ممتحن. بهار ۱۳۹۵ش، «**ترجمه پذیری و ترجمه ناپذیری قرآن**»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۲۵، صص ۱۴۹-۱۳۳.

انصاری نژاد، داریوش. بهار و تابستان ۱۳۸۱ش، «**بررسی تطبیقی ترجمه‌های شاکر و آربری از قرآن کریم**»، مجله جامعه شناسی کاربردی، دانشگاه اصفهان، شماره ۱۳، صص ۱۸۰-۱۶۷.

عامری، خدیجه و زینب السادات حسینی. بهار و تابستان ۱۳۹۵ش، «**بررسی تطبیقی ترجمه‌های انگلیسی قرآن آربری، شاکر و قرایی از آیات منتخب سوره رعد**»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره هشتم، صص ۲۴-۷.

قریشی، سید محمد حسین و هادی بقائی و علی علیزاده. بهار ۱۳۹۴ش؛ «**میزان هماهنگی در تکرار برخی از واژگان و ترکیبات هم آیند قرآن و ترجمه آن‌ها**»، مطالعات ترجمه، شماره ۴۹، سال سیزدهم، صص ۸۴-۶۹.

کیدوی، عبدالرحیم. «**ترجمه‌های ترجمه نشدنی بررسی ترجمه‌های انگلیسی قرآن**»، ترجمه زهرا آقامحمدی شیرازی، مجله بینات، سال نهم، شماره ۳۶.

مبارکی، محسن و بقایی، هادی. ۱۳۹۳ش، «**بررسی دو ترجمه آربری و یوسف علی از قرآن کریم بر اساس نظریه تعادل واژگانی بیکر**»، فصلنامه علوم قرآن و حدیث، سال یازدهم، شماره ۲، صص ۱۵۸-۱۳۷.

وزیری فرد، سید محمدجواد. پاییز ۱۳۷۸ش، «**بررسی و مقایسه چهار ترجمه انگلیسی از قرآن کریم**»، روش شناسی علوم انسانی، شماره ۲۰، صص ۸۴-۶۵.

Bibliography

Holy Quran

Ibn Athir, Abu al-Saadat Muhammad ibn Mubarak al-Jazri. 1985, *The End in the Strange Hadith*, researched by Tahir Ahmad Al-Zawi and Mahmoud Mohammad Al-Tanahi, Qom: Ismaili Institute.

Ibn Faris, Abu al-Hussein Ahmad 1404 AH, *Dictionary of Comparative Language*, research by Abdul Salam Haroon, Qom: Islamic Media School.

Ibn Manzoor, Jamaluddin Muhammad 1405 AH, *Arabic language*, Qom: Publication of seminary literature.

Abu Hilal Askari, Hassan bin Abdullah. 1412 AH, *Linguistic Differences*, Qom: Islamic Publishing Foundation.

Ahmadi Mianji, Ali 1998, *Makatib al-Rasool* (peace and blessings of Allaah be upon him), Qom: Dar al-Hadith.

Asadi, Morteza 2002, *Islamic Studies in the English West*, Tehran: Samt Pub.

Johari, Ismail bin Hamad. 1407 AH, *Taj al-Lingha wa Sahih al-Arabiya* (Al-Sahah), research by Ahmad Abdul Ghafoor Attar, Beirut: Dar al-Alam for the people.

Ragheb Isfahani, Abu al-Qasim Hussein ibn Muhammad. 1404 AH, *Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran*, Tehran: Book Publishing Office.

Sanaani, Abdul Razzaq bin Hammam, *Tafsir Al-Quran*, research by Mustafa Muslim Muhammad, Riyadh: Raktah School.

Tabatabai, Allama Seyed Mohammad Hussein Bi Ta, *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*, Qom: Teachers Association Publications.

Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir, *comprehensive statement on the interpretation of the Qur'an*, research on the truth of Jamil al-Ghattar, Beirut: Dar al-Fikr.

Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hassan. 1409 AH, *Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran*, Qom: Islamic Propaganda Office.

Farahidi, Khalil bin Ahmad, *Kitab al-Ain*, research by Mehdi Al-Makhzoumi and Ibrahim Al-Samarai, Qom: Dar Al-Hijra Institute.

Muqatil bin Suleiman. *Tafsir Muqatil*, research by Ahmad Farid, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya.

Makarem Shirazi, Nasser, *the proverb in the interpretation of the book of God Almighty*, Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School,

English Books

Abdel Haleem, M.A.S, *The Qur'an, A New Translation*. Oxford University Press: 2005.

Arberry, A.J. (1955). *The Koran Interpreted*, New York: Macmillan Publishing Company.

Baker, M. (1992). *In Other Words: A Course Book on Translation*. London And New York: Routledge.

Newmark, Peter, *A Textbook of Translation*: Prentice-Hall International, 1988.

Nida, Eugene A. *The Theory and Practice of Translation*. Leiden: Brill, 1982.

Yusuf 'Ali, 'Abdullah, *The Holy Quran: Arabic Text with An English Translation and Commentary* Published Byshaikh Muhammad Ashraf Kashmiri Bazar, Lahore (India)1937.

Articles

Ashrafi, Abbas and Elham Seyed Alangi. Spring 2015, "Aspects in the Translations of the Qur'an: A Comparative Study of Saffarzadeh, Pictal, Shakir and Arbery Translations", *Translation Studies*, No. 49, Year 13, pp. 100-85.

Amir Shojaei, Anahita and Mehdi Mumtahan. Spring 2016, "Translation and non-translationability of the Qur'an", Quarterly Journal of Qur'anic Studies, No. 25, pp. 149-133.

Ansari Nejad, Dariush. Spring and Summer 2002, "A Comparative Study of Shaker and Arbari Translations of the Holy Quran", Journal of Applied Sociology, University of Isfahan, No. 13, pp. 180-167.

Ameri, Khadijeh and Zeinab Sadat Hosseini. Spring and Summer 2016, "Comparative study of English translations of the Qur'an by Arbari, Shakir and recitation of selected verses of Ra'd Surah ", Journal of Quranic Interpretation and Language, No. 8, pp. 24-7.

Qureshi, Seyed Mohammad Hossein and Hadi Baghaei and Ali Alizadeh. Spring 2015; "The degree of coordination in the repetition of some words and combinations of the Qur'an and their translation", Translation Studies, No. 49, Year 13, pp. 84-69.

Kidawi, Abdul Rahim "Untranslatable translations of English translations of the Qur'an", translated by Zahra Aghamohammadi Shirazi, Bayanat Magazine, ninth year, No. 36.

Mubaraki, Mohsen and Baqaei, Hadi. 2014, "A Study of Arbari and Yousef Ali's Two Translations of the Holy Quran Based on Baker's Theory of Lexical Balance", Quarterly Journal of Quranic and Hadith Sciences, Eleventh Year, No. 2, pp. 158-137.

Vaziri Fard, Seyed Mohammad Javad Fall 1999, "Study and comparison of four English translations of the Holy Quran", Methodology of Humanities, No. 20, pp. 84-65.

An Analysis on Balance Lexical Level of English Translations of the Holy Quran based on Baker's Theory (Case study)

Mostafa Mo'allemi: Associate Professor, Medical Sciences University, Mazandaran; Post Graduated, English Translation, Faculty of Foreign Languages & Literature, Tehran University

Seyyed Ali Hashemi khanabbasi: Assistant Professor, Agricultural Sciences and Natural Resources University, Sari Branch

Abstract

The Holy Quran is the holy text of Muslims, a divine book revealed to the last Prophet, peace and blessings of God be upon him, to be a message to the world for all ages. Since the Qur'an accepts the diversity of languages and considers it as a ground for the acquaintance of peoples and nations, the translation of the Qur'an has long been considered. English is now an international and mediating language, and numerous translations of the Qur'an have been provided in this language. One of the most important issues in translating texts is creating balance or equality at different language levels. Balance at the lexical level as well as the precedence of meaning over the appearance is considered to be one of the most important priorities in translating texts. In the present study, three translations of the Qur'an based on Mona Baker's view on the issue of creating balance have been studied. According to studied examples, the findings show that these translations sometimes failed to strike a balance and failed to convey the meaning correctly to the target language.

Keywords: Holy Quran, translation, meaning, face, Mona Baker.